

سر مشق آموزگاری

تجربه‌ای بر پایه‌ی یاددهی - یادگیری



عاطفه‌فرهادی

همه‌ی آموزگاران‌ی که امروز به افراد باتجربه و موفقی تبدیل شده‌اند، اولین روزهای تدریس خود را هرگز فراموش نمی‌کنند. روزهایی که هم پر از شوق و هیجان بودند و هم اضطراب داشتند که مبدا در همین ابتدای کار با کوچک‌ترین خطا و لغزش، خاطره‌ی بدی از خودشان در ذهن دانش‌آموزان باقی بگذارند. این ماجرا هنوز هم ادامه دارد. خیلی از معلمان تازه‌کار به دنبال این هستند که به‌طریقی اولین روزهای تدریسشان را دل‌انگیز و جذاب کنند. در همین راستا بر آن شدیم با توجه به خاطرات معلمان از روزهای اول کار، برخی از نکات جذاب و کاربردی آن‌ها را برای نومعلمان بیان کنیم.



مریم محمدی کوشکی، آموزگار پایه‌ی ششم دبستان قدس، در شهر اسفراین از خراسان شمالی، نمونه‌ای از اجرای طرح بسطی تحولی خوانا را چنین شرح می‌دهد.

گره را دم حجله نکشید!

«**وقتی می‌خواستم برای اولین بار در کلاس حاضر شوم، اضطراب زیادی داشتم. دلم می‌خواست بدانم در بدو ورود به کلاس، بهتر است رفتارم چگونه باشد. برای همین به‌سراغ یکی از معلمان با تجربه رفتم و از او در این باره سؤال کردم. ایشان هم بدون معطلی گفتند: «اگر در همان ابتدا گوش چند دانش‌آموز را بپیچانی، بقیه حساب کار دستشان می‌آید و از این به بعد می‌توانی با خیال راحت تدریس کنی!» در واقع این بزرگوار به من فهماند که باید گره را دم حجله بکشم! اما من اصلاً این روش را نپسندیدم. به نظر من بهتر است در ابتدای کار با مهربانی این گره‌ی ناسازگار را به شخصیتی خوش‌رفتار تبدیل کرد. محبت همیشه جواب می‌دهد و ارتباط معلم و دانش‌آموز را بدون ترس و با اعتماد همراه می‌کند.**



تصویر دلجسی از خودتان ارائه کنید

« به قول یکی از معلمان با سابقه، هر معلمی در کنار کوله‌بار دانش و آگاهی باید به خودش و تصویری که قرار است هر روز به نمایش بگذارد، بها بدهد. یعنی آراستگی و مرتب بودن ظاهر معلم، فارغ از پایه‌ی تحصیلی و جنسیت دانش‌آموزانی که به آن‌ها درس می‌دهد، بسیار مهم و تأثیرگذار است؛ زیرا بچه‌ها خوب می‌بینند و از آنچه می‌بینند الگو می‌گیرند و در آینده نیز از آن یاد می‌کنند.

پس تصویر خوبی از خودمان ارائه دهیم تا هرگاه ما را به یاد آورند، لبخند بزنند.

در همان جلسه‌ی اول با بچه‌ها ارتباط برقرار کنید

« معطل نکنید! اگر می‌توانید، در ابتدای کلاس، با نوشتن یک جمله، به دانش‌آموزانتان خوشامد بگویید و خوش‌حالشان کنید؛ مثلاً: «سلام سمیه‌ی عزیزم. من خوش‌حالم که معلم تو هستم. قرار است امسال در کنار هم درس بخوانیم و چیزهای زیادی از هم یاد بگیریم. امیدوارم به همه‌ی ما خوش بگذرد. بی‌صبرانه مشتاقم پیشرفت‌تورا ببینم. دوستت دارم. خانم کریمی.»

این‌گونه ارتباط با دانش‌آموز، جذاب و خاص است و نگرانی‌ها را هم از بین می‌برد.

انتظاراتان را صادقانه بیان کنید

« امروز اولین روزی بود که می‌خواستم در کلاس درس حاضر شوم. خیلی فکر کردم در این روز بهتر است چه کارهایی انجام بدهم. به این نتیجه رسیدم که قبل از هر کاری با برنامه‌ریزی درست الگوی تدریس را مشخص کنم و حتماً دانش‌آموزانم را در جریان قرار دهم و جایگاه آن‌ها را هم در این الگوی تدریس مشخص و وظایفشان را تعیین کنم. فهرستی تهیه کردم و آنچه را از دانش‌آموزانم می‌خواستم، در آن نوشتم. در روز اول این فهرست را در اختیار بچه‌ها قرار دادم تا بدانند در طول سال چه برنامه‌هایی داریم و آن‌ها باید چه کارهایی انجام دهند. در ضمن تصمیم گرفتم به دانش‌آموزانم فرصتی بدهم تا نظراتشان را درباره‌ی این برنامه به من بگویند. این رویه باعث شد یک کلاس منظم و منسجم داشته باشیم و همه‌ی دانش‌آموزان هم با رضایت کامل وظایف خودشان را به‌خوبی انجام دهند.

بردار باشید و دلسرد نشوید

« روزهای اول تدریس در پایه‌ی چهارم ابتدایی به بدترین روزهای زندگی من مبدل شده بود. نمی‌توانستم دانش‌آموزان را به‌خوبی کنترل کنم. در تدریس ریاضی هم مشکل داشتم. روزی نبود که با عصبانیت کلاس را ترک نکنم. داشتم به این نتیجه می‌رسیدم که نمی‌توانم معلم خوبی باشم و باید خیلی زود از تدریس انصراف دهم. روزی هم‌کارم در دفتر مدرسه مرا پریشان و ناراحت دید و از ماجرا با خبر شد. تجربه‌هایش را در اختیارم گذاشت. هر چند زمان برد تا توانستم اوضاع را سامان دهم، اما با جدیت از تجربه‌های این دوست عزیز و دیگر معلمان استفاده کردم. اول درس صبر و بردباری را به خودم آموختم و بعد با برگزاری منظم و هدفمند کلاس‌های تقویتی، همه‌ی دانش‌آموزانم را به سطح قابل قبولی از لحاظ درسی رساندم. من به‌روشنی فهمیدم اگر شکیبایی، مطالعه و برنامه‌ریزی درست را سرلوحه‌ی هر کاری قرار دهیم، حتماً موفق خواهیم شد.

پیش از هر چیز خودتان باشید

« تازه معلم شده بودم و این اولین حضور من در کلاس درس بود. اول فکر کردم که با چهره‌ای جدی وارد کلاس شوم تا بتوانم آن‌گونه که می‌خواهم روی بچه‌ها تأثیر بگذارم و اجازه ندهم از بی‌تجربگی من سوءاستفاده کنند، اما راستش را بخواهید من آدم بسیار شوخ‌طبعی هستم و برای همین هم در ملاقات اول با دانش‌آموزان نتوانستم جدیت چهره‌ام را خیلی حفظ کنم. اصلاً وقتی چهره‌های خندان و بانمک بچه‌های کلاس را دیدم، خودم هم خنده‌ام گرفت و خیلی زود نقاب جدیت را از صورتم برداشتم و تصمیم گرفتم خودم باشم. بعد از آن، با همان روحیه‌ی شوخ‌طبعی، کلاس را اداره کردم و توانستم تدریس موفقی داشته باشم.

اسامی بچه‌ها را زود یاد بگیرید

« برای اینکه بتوانم اسامی دانش‌آموزانم را به‌راحتی به خاطر بسپارم، از آن‌ها عکس گرفتم و زیر تصویر نام بچه‌ها را نوشتم و آن را در انتهای دفتر کلاس چسباندم. این کار باعث شد خیلی زود نام آن‌ها را به خاطر بسپارم.

این تنها یک روش از میان صدها روش یادگیری و به‌خاطر سپاری نام دانش‌آموزان است. شما حتی می‌توانید با انجام یک بازی گروهی کاری کنید که هم خودتان و هم دانش‌آموزانتان اسامی یکدیگر را یاد بگیرید. این اتفاق میزان دوستی و رفاقت میان شما و دانش‌آموزانتان را افزایش و نگرانی‌های ناخودآگاه آنان را کاهش می‌دهد.

اولین جلسه‌ی ملاقات را از دست ندهید

« یکی از مهم‌ترین کارهایی که لازم است معلمان انجام دهند، برقراری ارتباط با والدین دانش‌آموزان است. جلسه‌ی نخست به معارفه‌ی معلم و بازگویی برنامه‌های درسی سال تحصیلی پیش رو اختصاص دارد. همچنین، فرصت مناسبی است برای اینکه نظرات و پیشنهادهای والدین را درباره‌ی نحوه‌ی تدریس بشنوید. حتی تعدادی از والدین بچه‌ها را به‌عنوان نماینده انتخاب کنید و تا پایان سال با آن‌ها ارتباط مداوم داشته باشید. سعی کنید در این جلسه با حفظ اعتمادبه‌نفس، کلام نافذ و رعایت احترام، میان خودتان و والدین دانش‌آموزان اعتماد ایجاد کنید. حتی اگر از بی‌تجربگی و کم‌سن‌وسال بودن شما انتقاد کردند، با سخنان گیرا و محکم روی آن‌ها تأثیر بگذارید. مطمئن باشید گذر زمان و البته میزان موفقیت شما در تدریس، نظر آن‌ها را تغییر می‌دهد.